

نفت عراق



اکنون میست - ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲ - ترجمه: م. ل. م.

عمده نفت وارداتی آمریکا شده است، رؤسای جمهور مختلف آمریکا، همواره سعی نموده‌اند محبت خاندان نفرت‌انگیز دیکتاتور ابن سعود را جلب کنند، همچنین آمریکا حاکمیت نفتی عربستان بر اوپک و بالا نگه داشتن قیمت آن را توسط سعودی‌ها تحمل کرده است.

اکنون رهبران آمریکا بیش از پیش حرکت وینستون چرچیل را پیش از جنگ جهانی اول درک می‌کنند؛ زیرا که او توانست سوخت ناوگان دریایی انگلستان را از زغال سنگ به نفت تبدیل کند. شعار چرچیل این بود: "ایمنی"، "اطمینان" فقط در "تنوع منابع" است. در دستیابی به چنین تنوعی است که جورج بوش تلاش می‌کند سیاست آمریکا را تغییر دهد.

در همین راستاست که جورج بوش از هدف ولادیمیر پوتین در توسعه صنعت نفت روسیه و افزایش تولید و صادرات آن، آشکارا استقبال می‌نماید. به همین مناسبت، کنفرانسی در سطح وزارتخانه، با موضوع "انرژی" در هوستن برنامهریزی شد.

در این راستا فرصت احتمالی دیگر، دستیابی به نفت عراق است. به نظر می‌رسد شایعات این جنگ، بر اجلاس وزرای کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) در ازاکای ژاپن در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۲ سایه افکند.

حق افزایش قیمت نفت ناشی از نگرانی و ترس

عقلانیت متعارف گویای آن است که به صدا درآمدن طبل‌های جنگ، در کوتاه‌مدت اخبار خوشایندی برای OPEC و سعودی‌ها دربردارد، اما در درازمدت، پیامدهای خوبی نخواهد داشت. معمولاً به دنبال صحبت از جنگ، قیمت نفت افزایش یافته و برای کشورهای تولیدکننده، درآمد باآورددهای! خواهد داشت. اگر آمریکا در سرنگونی قلدر بغداد موفق شود، دنیا در جریان نفت عراق و دیگر کشورها غوطه‌ور خواهد شد. اما با نگاهی دقیق، درمی‌یابیم که موضوع پیچیده‌تر از اینهاست. ظاهراً در کوتاه‌مدت، درآمد شیرین باآورددهای به جیب تولیدکنندگان خواهد رفت؛ به‌عنوان مثال، هفته گذشته شایعه بی‌اساس حملات عظیم هواپیماهای آمریکا و انگلیس به غرب عراق، موجب شد نفت به بالاترین قیمت خود در طول سال برسد (یعنی ۳۰ دلار در هر بشکه).

دانیل یرگین (Daniel Yergin) رئیس مؤسسه تحقیقاتی انرژی کمبریج

اشاره: از آنجا که ملت ما و مردم منطقه، نگران جنگ و عوارض آن می‌باشند، و از آنجا که لازم است انگیزه‌های این جنگ احتمالی و نافرجام بررسی شود، و در حالی که ابعاد نفتی قضیه (ژئوپولیتیک انرژی) حتی برای بسیاری از دیپلمات‌ها نیز روشن نیست، بر آن شدیم تا با ترجمه مقاله‌ای از مجله اکنون میست، دیدگاه رهبران آمریکا را نسبت به انرژی، اوپک، عربستان سعودی، عراق، ایران، خلیج فارس و بازار جهانی نفت ترسیم کنیم.

به خصوص که نشریه معتبر اقتصادی اکنون میست، رسماً اوپک را به‌عنوان یک "کارتل" مطرح کرده و فروپاشی آن را از اهداف حمله آمریکا و انگلیس به عراق دانسته است.

در صورت جنگ آمریکا با عراق، سرنوشت نفت چه خواهد شد؟

بدون شک، منافع عمده آمریکا در تعقیب قضیه صدام، این است که دنیا را از خطر بالقوه و بالفعل سلاح‌های کشتار جمعی او نجات دهد. ملاحظه بزرگ دیگری نیز هست که ممکن است در درجه دوم اهمیت باشد، ولی کمتر به آن توجه شده است و آن بررسی بازتاب روانه شدن ذخیره‌های بزرگ نفتی عراق به بازار نفت خواهد بود. عراق دارای بزرگترین ذخیره‌های نفتی پس از عربستان در جهان است. در حال حاضر، با تحریم‌های سازمان ملل و نادیده گرفتن این تحریم‌ها توسط صدام، فقط بخشی از پتانسیل تولیدی عراق به بازار وارد می‌شود.

اگر عراق متناسب با ذخیره‌های عظیم زیرزمینی نفت خود، دست به بهره‌برداری بزند، مسلماً به حاکمیت نفتی عربستان پایان خواهد داد.

هنوز آمریکا بزرگترین مصرف‌کننده نفت می‌باشد؛ بدین معنا که یک چهارم مصرف نفت دنیا در آمریکا سوزانده می‌شود. واردات فراینده نفتی، بیش از نیمی از مصرف آمریکا شده است. از زمانی که عربستان سعودی عرضه‌کننده



البته زیان‌های ناشی از این امر به‌طور مساوی بین اعضای کارتل اوپک تقسیم نمی‌شود، بلکه این عربستان سعودی است که به‌عنوان تولیدکننده عمده و محور سیاست اوپک، بیشترین هزینه را متحمل خواهد شد.

قیمت‌های بالا، همچنین باعث تشویق اعضای کوچک‌تر کارتل اوپک مانند نیجریه و الجزایر و لیبی شده است تا ظرفیت‌های تولیدی جدید خود را توسعه داده و از سهمیه تعیین شده توسط اوپک عبور کنند.

جان میچل، تحلیل‌گر انرژی از مؤسسه سلطنتی انگلیس در امور بین‌المللی، دلیل بنیادی‌تری ارائه می‌کند و معتقد است که "دسیسه تهاجمی" کارتل اوپک، چندان دوامی نخواهد داشت. در بین اعضای اوپک، نسبت تولید به ذخایر زیرزمینی، در تغییر و نوسان زیادی است، همچنین انگیزه برای افزایش تولید نسبت به ثابت نگاه داشتن آن نیز تغییرات زیادی دارد.

نتایج به‌دست آمده براساس تخمین‌های بانک آلمان، نشان می‌دهد که این عرضه جدید می‌تواند از تقاضای مورد نظر یک میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۴ پیشی گیرد. عربستان، تنها کشوری است که طی سال‌های متمادی مایل



بوده تولید و درآمد خود را به مقدار زیادی پایین نگه‌دارد تا جلوی سقوط قیمت نفت را بگیرد.

همه اینها بیانگر این است که چرا عربستان سعودی به مدت طولانی از برقراری یک قیمت متعادل طرفداری کرده است. با این همه، وزاری اوپک، هفته آینده در اجلاس اوزاکا، ممکن است با دو شق دشوار مواجه شوند.

با عنایت به نگرانی از جنگ با عراق، قیمت‌ها بالا و بازار مضطرب خواهد بود. زمستان نیز نزدیک بوده و تقاضای نفت در این فصل بالا خواهد رفت.

در روز ۱۱ سپتامبر آژانس بین‌المللی انرژی که توسط بزرگترین مصرف‌کننده‌های نفت جهان به‌وجود آمده است تا مراقب امور نفت باشد، گفت که ذخیره‌سازی نفت در وضعیت پایینی قرار دارد، در حالی که زمستان در پیش و ممکن است قیمت‌های نفت مانند ۱۹۹۹ به‌صورت تصاعدی فزونی یابد. اگر وضعیت به همین روال باشد، عربستان سعودی در اژاکا ممکن است افزایش تولید یا سهمیه متعادلی را طلب کند.

از سوی دیگر، تأکید ونزوئلا و ایران بر این است که خطری که اوپک با آن مواجه است، افزایش قیمت نبوده، بلکه سقوط قیمت است و این سقوط قیمت در صورتی اتفاق می‌افتد که اوپک افزایش تولید نفت را به اقتصاد تضعیف‌شونده جهانی وارد

(CERA)، که یک مشاور صنعتی نیز به‌حساب می‌آید، تخمین می‌زند که (حق افزایش قیمت ناشی از نگرانی)، هر بشکه بین ۳ تا ۵ دلار می‌باشد. به نظر می‌رسد هر چه به جنگ نزدیک‌تر شویم قیمت‌ها بالاتر هم برود. یک دهه قبل، در اثنای جنگ خلیج، قیمت اسمی هر بشکه به ۴۰ دلار هم رسید.

فیلیپ الیس (Phillip Ellis) از گروه مشاوران بوستن که تاریخچه شوک‌های نفتی و تأثیر آنها را بر روی قیمت، تجزیه و تحلیل کرده است، معتقد است که قیمت‌ها به دو گروه دامنه‌وار باین خواهد آمد. میانگین منحنی نوسان قیمت در زمان صلح، ۲۲ تا ۲۴ دلار خواهد بود. میانگین منحنی قیمت در زمان جنگ، بالاتر از ۵۰ دلار خواهد رفت؛ که البته بعضی‌ها بالاتر از این قیمت را مطرح می‌کنند.

شیخ زکی یمانی، وزیر نفت عربستان در زمان شوک نفتی ۱۹۷۰ اخیراً گفته است: "در صورت تجاوز آمریکا به عراق، اگر عراق به تأسیسات زیربنایی نفت عربستان و کویت حمله کند و قیمت نفت به ۱۰۰ دلار می‌رسد." در همین هفته، طه یاسین رمضان، معاون رئیس‌جمهور صدام، گفت: "اگر عراق مورد حمله واقع شود، کشورهای دوست عرب به هدف‌های آمریکایی در خاورمیانه حمله‌ور خواهند شد." قیمت‌های بالای نفت، آشکارا کابوسی برای مصرف‌کننده است. این‌جاست که تناقضات و پیچیدگی‌ها خود را نشان می‌دهند که برای تولیدکننده‌ها نیز خبرهای خوشی در پی نخواهد داشت.

قیمت‌هایی که بالاتر از دامنه تغییر آقای الیس باشد، نزول فاحشی برای رشد اقتصادی است. هم‌اکنون علانم وقوع چنین حادثه‌ای به‌خصوص در آسیا مشهود است.

بعضی از اقتصاددانان درباره رکود جهانی ناشی از قضیه نفت نگران‌اند. شوک‌های قبلی نفت به اوپک آموخته است که دوران‌های طولانی با قیمت بالای نفت، مانند کشتن غازی است که تخم طلائی می‌گذارد. دلیل دیگری که قیمت‌های سرسام‌آور نفت برای اوپک و به‌خصوص عربستان سعودی نتایج خوبی در بر نخواهد داشت، این است که آنها تولید نفت را روی یک قیمت غیراقتصادی ترغیب می‌کنند. روشن است که در یک بازار آزاد هوشیار، عمده نفت جهان از عربستان سعودی و همسایگانش تولید می‌شود؛ منطقه‌ای که هزینه تولید یک بشکه، برابر با یک تا دو دلار می‌باشد.

این در حالی است که هزینه تولید یک بشکه نفت در دریای شمال و آب‌های عمیق دریاها، ۱۰ تا ۱۲ دلار می‌باشد.

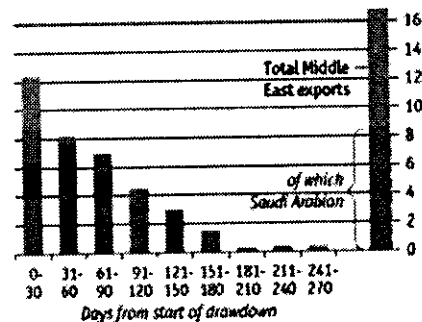
از آنجا که "استراتژی دفاع از قیمت" اوپک به مدت سه سال است قیمت هر بشکه نفت را بالای ۱۸ دلار نگه‌داشته، بنابراین براساس ارزیابی‌های شرکت مالی نفت (PFC) که مشاور صنعتی پروژه‌های مناطق غیر اوپک (مانند حوزه‌های نفتی روسیه، خزر و آب‌های عمیق خلیج مکزیک) می‌باشد، این مناطق میلیاردها دلار سرمایه را به خود جذب کرده است. به‌طوری که قیمت‌های بالای نفت موجب یک توسعه ۲/۶ میلیون بشکه در روز، در مناطق غیر اوپک شده و علاوه بر آن پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۰۸ از حوزه‌های دیگر نیز به افزایش برابر ۵/۲ میلیون بشکه در روز برسد.

با استناد به ارزیابی شرکت مالی نفت، این حوزه‌های عرضه جدید نفت، می‌تواند پاسخگوی افزایش تقاضای جهانی باشد. افزایش عرضه در حوزه‌های غیر از اوپک، باعث می‌شود که اوپک نتواند به استراتژی دفاع از قیمت نفت خود ادامه دهد.

Vulnerable stocks

OECD strategic oil reserves
in barrels per day available for release

■ US ■ Germany ■ Japan ■ Other



Sources: Deutsche Bank; BP

حذف صدام حسین از بغداد، ممکن است بازار نفت را زیر و رو کند، چرا که عراق با وجود ذخایر وسیعش، تنها کشوری است که می تواند با عربستان به رقابت برخیزد.

اگر رژیم پس از واژگونی صدام دست به چنین رقابتی بزند، بنابراین استراتژی عربستان در دفاع از قیمت نفت بین ۲۲ تا ۲۸ دلار هر بشکه، به شدت تهدید می شود.

اگر جریان نفت عراق به طور نامحدودی به بازار روانه شود، عربستان سعودی، راهی جز این ندارد که دفاع از قیمت را رها کرده و به جای آن از افزایش تولید دفاع کند.

دفاع کند

اما عقل سلیم، چنین ریسک‌هایی ولو با اقدامات فیزیکی خرابکارانه طولانی را نخواهد پذیرفت. یک کارشناس ارشد نفتی اروپایی معتقد است که از کار انداختن کامل جریان نفت خاورمیانه، در عمل بعید به نظر می‌رسد و این عمل مانند آن است که جریان نفت دریای شمال را با موشک‌های اسکاد از آلمان کاملاً متوقف کنیم. آقای یرگین از مؤسسه تحقیقاتی انرژی کمبریج می‌گوید که هدف قرارداد تمام تأسیسات مانند خط لوله‌های نفتی و ترمینال‌ها بسیار دشوار است.

عربستان سعودی نیز ظرفیت‌های یدکی فراوانی برای انتقال نفت صادراتی خود دارد. علاوه بر این، در صورت خرابکاری، خط لوله‌ها به سرعت تعمیر خواهند شد. دنیا هم ذخیره‌سازی‌های بیشتری نسبت به دهه‌های ۱۹۷۰ دارد. البته این ذخیره‌ها فقط چند هفته از فقدان نفت خاورمیانه را جواب خواهد داد. با این وصف، یک جنگ طولانی، می‌تواند فاجعه تلقی شود. هنوز دنیا حداقل به آژانس بین‌المللی انرژی وابسته است که این آژانس قادر است جریان‌ات نفت و ذخیره‌سازی را کنترل کرده و اعضای اوپک را در یک گفتمان با مصرف‌کننده‌ها مشغول سازد؛ چیزی که

نماید؛ مشابه همان اقدامی که چند سال پیش (زمستان ۱۳۷۶) انجام شد و قیمت نفت به ده دلار تنزل یافت.

اگر به نحوی عربستان سعودی بر اجلاس آژانس به آرامی غلبه کند، مشاجرات بر سر بی‌پناهی کارتل اوپک در درازمدت مطرح خواهد شد.

حذف صدام حسین از بغداد، ممکن است بازار نفت را زیر و رو کند، چرا که عراق با وجود ذخایر وسیعش، تنها کشوری است که می‌تواند با عربستان به رقابت برخیزد. اگر رژیم پس از واژگونی صدام دست به چنین رقابتی بزند، بنابراین استراتژی عربستان در دفاع از قیمت نفت بین ۲۲ تا ۲۸ دلار هر بشکه، به شدت تهدید می‌شود.

اگر جریان نفت عراق به طور نامحدودی به بازار روانه شود، عربستان سعودی، راهی جز این ندارد که دفاع از قیمت را رها کرده و به جای آن از افزایش تولید دفاع کند.

گرچه به لحاظ سیاسی برای عربستان مشکل است، ولی به لحاظ اقتصادی ابلهانه نخواهد بود، چرا که محاسبات بانک آلمان نشان می‌دهد عربستان در هر صورت درآمد سالانه‌ای معادل شصت میلیارد دلار خواهد داشت؛ خط‌مشی اول با تولید شش میلیون بشکه در روز به قیمت ۳۰ دلار در هر بشکه می‌باشد و خط‌مشی دوم، تولید ۱۰ میلیون بشکه در روز به قیمت ۱۷ دلار در هر بشکه خواهد بود.

آیا روانه‌شدن نفت عراق به بازار اتفاق خواهد افتاد؟ ممکن است. چرا که رژیم جدید در عراق برای سازندگی مملکت به پول هنگفتی نیاز دارد، بنابراین بخش نفت را به سرعت توسعه خواهد داد. حداقل قضیه این است که برخی از مدیران نفتی معتقدند که این وضعیت، سرمایه‌های خارجی زیادی را به درون عراق سرازیر خواهد کرد و این در حالی است که حتی اگر رژیم جدید - همان‌طور که آمریکا هم احتمالاً مایل است - پیوندهای خود را با اوپک قطع ننماید. به خاطر بی‌آرامی‌های نظارت طولانی سازمان ملل بر تولید نفت عراق را که ضمن معافیت از سهمیه اوپک، تولید عراق را روانه بازار می‌کرد.

شکاف در اوپک؟

به نظر می‌رسد که با از میدان بدر بردن صدام حسین با یک تیر دو نشان زده خواهد شد:

هدف اول سرنگونی دیکتاتور خطرناکی چون صدام، و هدف دوم این است که هم‌زمان با رفتن صدام، اولاً کارتل نفت اوپک نیز که سال‌ها قیمت نفت را در دست داشته است دچار فروپاشی خواهد شد و ثانیاً تحریم‌های کارشناسی و مهندسی شده از بین خواهد رفت و ثالثاً فشار و آزار روی مصرف‌کننده‌ها نیز برداشته خواهد شد؛ اما هنوز عوامل زیادی وجود دارد که نوع تفکر دیگری را ایجاد می‌کنند و آن این که انتقال به دنیای نفت پس از صدام، ناخوشایند بوده و اوپک قدرتمندی را به دنبال خواهد داشت.

نگرانی شیخ یمانی را یادآور می‌شویم که صدام حسین در یک عمل نهایی مایوسانه ممکن است به تأسیسات زیربنایی نفت عربستان و کویت حمله نموده و اقتصاد جهانی را با سکنه و روگرد رو به رو کند. ممکن است بر سر مناطق نفتی همان بلایی بیاید که در جنگ اول خلیج فارس آورده شد. پالایشگاه‌ها و پایانه‌های نفتی ممکن است با مواد رادیواکتیو آلوده شوند و حتی با کمک خارجی‌ها ممکن است صدام حسین بتواند کشتی‌رانی در تنگه هرمز را متوقف و جلوی صادرات نفت عربستان به بازار جهانی را بگیرد.

ندانسته و نمی‌پسندد باز سوی دیگر، رژیم عربستان با مردم خشمناک کوچه و بازار و خیابان مواجه است که عربستان را به سازش با آمریکا متهم می‌کنند. این بار خاندان سعود با توجه به مشکلاتش به لحاظ سیاسی، غیرممکن است که تولید نفت را بالا ببرد.

در این راستا ممکن است بازارهای جهانی به هر چه مرج کشیده شده و اوپک نیز در جایگاه خود همچنان با صلابت باقی بماند. دلایل دیگری که باید در انحلال اوپک شک نمود و نمی‌توان از شر اوپک خلاصی یافت، وضعیت تأسیسات زیربنایی نفت عراق است، که مرهون ۱۲ سال تحریم‌های سازمان ملل از یک سو و سوءمدیریت و بهره‌برداری بیش از توان مخازن، از سوی دیگر است.

صنایع نفت عراق، در وضعیت اسفناکی به سر می‌برد که حتی در بهترین حالت ظرفیت تولیدی آن سه تا ۳/۵ میلیون بشکه در روز است؛ که این معادل یک سوم ظرفیت تولیدی عربستان و نصف ظرفیت تولیدی روسیه است.

در این باره یکی از مدیران ارشد نفتی آمریکا می‌گوید: "بهترین سناریو این است که عراق مجدداً به چنین ظرفیتی برسد." اما عراق برای بهتر شدن ظرفیت تولیدی‌اش به سرمایه‌گذاری حجیم صنعت نفت دنیا نیازمند است. سرمایه‌گذاری آنچنانی انجام نخواهد شد، مگر این که شرکت‌های نفتی "اطمینان" حاصل کنند که رژیم جدید، علاوه بر "ثبات کافی"، "به حکومت قانون" (قانونگرایی) هم اعتقاد داشته باشد. به‌طور واقع‌بینانه، کارشناسان معتقدند نخست این که پنج سال متمادی وقت لازم است. دوم آن که به تلاشی بی‌امان نیاز است. سوم این که از دانش فنی غرب باید استفاده شود و چهارم این که پول و سرمایه‌زیادی لازم است تا صنعت نفت عراق به یک نیروی جدی تبدیل شود (که بتواند رقابت‌های شکننده‌ی لازم را انجام دهد).

مؤسسه تحقیقاتی کمبریج، بی‌پرده و با صراحت، چنین مطرح می‌کند: تولید نفت عراق فقط می‌تواند نسبت به حداقل موجود افزایش یابد، اما این به معنای افزایش تولید حجیم آنچنانی نخواهد بود تا در وهله نخست، قیمت نفت اوپک را به‌طور فاحشی کاهش دهد، دوم آن که جایگزینی برای تولیدکنندگان خلیج فارس باشد و سوم آن که موجب ناتوانی اوپک گردد. به‌طور خلاصه، یک "تغییر رژیم" در عراق از آن نوعی که آقای بوش در سر می‌پروراند، تنها ممکن است موفق شود قوانین بازی‌های نفتی را تجدید نظر کرده و باز نویسی کند.

از یک سو دوستی جدید بوش با رئیس‌جمهور روسیه آقای پوتین و از سوی دیگر اعلام جنگ از سوی او در راستای تغییر ژئوپولیتیک انرژی را باید در نظر داشت.

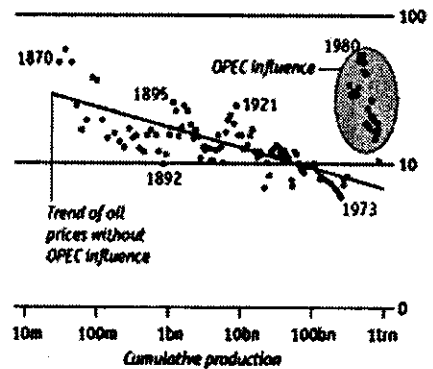
منتظر معجزه نباشیم

مقام ارشد نفتی یادشده می‌گوید: به احتمال قوی جورج بوش پسر، در براندازی صدام، خواهان تغییر و تبدیلی در بازار نفت جهانی است و زمانی این تبدل به‌وقوع می‌پیوندد که دیگر خبری از جورج بوش در کاخ سفید نیست. هنوز زود است که از عربستان سعودی یا اوپک چیزی نوشته شود.



The OPEC effect

US average oil price, 1998 \$ per barrel



Source: Boston Consulting Group

به نظر می‌رسد که با از میدان به در بردن صدام حسین با یک تیر دو نشان زده خواهد شد:

هدف اول سرنگونی دیکتاتور خطرناکی چون صدام، و هدف دوم این است که همزمان با رفتن صدام، اولاً کارتل نفت اوپک نیز که سال‌ها قیمت نفت را در دست داشته است دچار فروپاشی خواهد شد و ثانیاً تحریم‌های کارشناسی و مهندسی شده از بین خواهد رفت و ثالثاً فشار و آزار روی مصرف‌کننده‌ها نیز برداشته خواهد شد؛ اما هنوز عوامل زیادی وجود دارد که نوع تفکر دیگری را ایجاب می‌کنند و آن این که انتقال به دنیای نفت پس از صدام، ناخوشایند بوده و اوپک قدرتمندی را به دنبال خواهد داشت

هفته آینده در اجلاس آژاکا ممکن است به‌وقوع پیوندد تا قیمت‌ها از دوام و ثبات برخوردار شوند

در صورت تهدید ناگهانی منابع عرضه نفت، دولت‌های مصرف‌کننده، به رئیس‌آژانس بین‌المللی انرژی، قدرت یک‌طرفه و فوق‌العاده‌ای اعطا کرده‌اند که در صورت لزوم، به اندازه کافی نفت‌های ذخیره‌شده را روانه بازار کند. بنابراین نگرانی ناشی از تخریب منابع عرضه بر طرف خواهد شد.

نگرانی عمده‌تر این است که در چنین حالتی، عربستان سعودی نفت بیشتری به بازار عرضه نکند. به لحاظ تاریخی، عربستان سعودی به‌عنوان ضامن بازار نفت در آخرین جمع‌بندی وارد عمل می‌شود. برای مثال، در طول جنگ ایران و عراق، عربستان تولید را فزونی بخشید و قیمت را هم کمی بالا برد. برای این که یک ظرفیت اضافی سه میلیون بشکه در روز داشت که می‌توانست کمبود نفت عراق را جبران کند.

اما در دور جدید، عربستان سعودی از سوی نحوه برخورد بوش با عراق را درست